



گفت و گو با فرزند خوشدست، کارگردان مستند «خط باریک قرمز»

حرف‌های مهم لابه‌لای فیلم‌های سطحی گم می‌شوند



گفتگو

۱۱۰ ورزش

خداداد نسبت به وضعیت تیم مشهدی هشدار داد

خطر پشت دروازه «شهر خودرو»

«گرت بیل» در آستانه نهایی کردن بازگشت به «تاتنهام»

مسلسل «ولزی» در دست «مورینیو»



اسناد و نامه‌های استقلال چگونه لو می‌رود؟

آبی‌ها، آتش زیر خاکستر



جهانبخش در گفت‌وگو با قدس:

وقت نیست، باید در لیگ جزیره بمانم

شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۹
۱۴ مهر ۱۳۹۹
۱۹ سپتامبر ۲۰۲۰
۹۹۳۷۰ شماره
ZENDAGI@QJSDONLINE.IR

روزمره نگاری

رقیه توسلی

آژیر باید روشن باشد

خانه‌ام پر نور شده است. «شهرزاد خاتون» جان باز بی‌خبر آمده...
وسط حال و احوالیم که به کتاب توی دستم اشاره می‌برد و می‌پرسد: چه می‌خوانی؟ می‌گویم: «یادداشت‌های شیطان».
تاخند می‌زند. کتاب را می‌گذارم کنار و منتظرم «مادر بزرگ درون» مثل همیشه دست به کار شود و زندگی‌ام را بتکاند و استادتر از هر استادی برود روی صحنه...
منتظرم بناید به جانم، منتظرم غذاها و قهوه‌ها و مهربانی‌هایش را فقط کند برام راه و چاه بگوید. با زبان اختصاصی خودش ناز و نوازشم کند. اما برخلاف دفعات پیشین، او فقط عینکش را با گوشه چارقدش پاک می‌کند.
می‌دانم قلق ظهر گاهی‌اش، جای دارچین است و باید دست به دامان آن اکسیر قهوه‌ای بشوم. با می‌شوم هول هولکی دم می‌کنم و با دو استکان برمی‌گردم و در دلش نمی‌توانم مات چهره چروک باصفا بشوم.
عطر چوب کار خودش را می‌کند انگار، استکان کمرباریک را می‌برد تا زیر بینی‌اش و با عشق می‌گوید: نیک‌شیدین نداریم... کینه بازی قدغن... خدا بنده بد را خوش ندارد... دل را سیاه می‌کند تنفر بی‌خبر از همه جا فقط نگاهش می‌کنم.
ادامه می‌دهد: خوب‌ها، دعا می‌کنند، صورتند، ابتدا سوراخ تلافی و شیطانیت نمی‌روند. نکته هم همین جاست: خوب‌ها و پدر دبحخورها فرق دارند. دست و عقل و دلشان، خوب است... می‌گویم: اتفاقی افتاده؟ می‌گوید: بله ننه جان... افتاده... همین شام، مگر دو روز گذشته صدای تلویزیونت را نگذاشتی هشتاد که همسایه بی‌ملاحظه‌ها را بچرانی؟ غافل از اینکه همان اندازه همسایه بی‌ملاحظه‌ها بودی برای بقیه... مگر به رفیقی که گفت همسرش خائن است و حالا پرونده طلاق باز کرده توی دادگاه، عرض نکردی کارت اشتباه نیست؟... مگر عمه خانوم تلفنی تعریف نکرد برایت که به همکارش گفته از یک قرآنی ارث کوتاه نیا حرف علف بیابان که وسط نیست، پای پول است. شما تأییدش نکردی؟... مگر خانوم نطفاتچی از آزار خانواده شوهرش، پشت نگفت و نگفت و تو به جای میانداری و محبت، غمگین نگاهش نکردی و برایش روان‌شناس اشتباهی نشدی؟... مگر... نمی‌مانم. سرفراکنده بلند می‌شوم. از دست اشتباهات خودم نمی‌دانم کجا فرار کنم. باورم نمی‌شود این‌ها که می‌گوید من‌ام. شهرزاد خاتون جان، درست خودم را برام بر ملا کرده. خودی که ۱۰۰ سال دیگر به تنهایی عمر آ می‌فهمید من باشم. مادر بزرگ پشت‌بندش می‌گوید: درست است که امیرزاد کامل و مطلق و معصوم نیست! جایز الخطاست! اشتباه کن و توبه کن است! اما باید آژیرش روشن باشد، عزیزکم...
پی‌نوشت: «یادداشت‌های شیطان» را برمی‌گردانم توی کتابخانه و اینترنتی سفارش کتاب می‌دهم. قصد کرده‌ام «مصاحبه با فرشتگان بزرگ» را بخوانم.

آن روزها

نفوذ در دل یک گروهک تروریستی



قدس زندگی: «جنگ اطلاعاتی» در معنای امروزی‌اش احتمالاً نباید بیش‌تر از ۵۰ سال قدمت داشته باشد. البته تا پیش از آن کشورهای مختلف برای پیشبرد اهدافشان از همدیگر «جاسوسی» می‌کردند، اما آن‌طور که متخصصان امور نظامی می‌گویند جنگ اطلاعاتی کمتر از نیم قرن است که در دنیا رایج شده است. آن‌ها می‌گویند در هر جنگی هر نیرویی که بخواهد به پیروزی برسد باید فرآیند اطلاعات و عملیات را رعایت کند. جنگ اطلاعاتی در هر نبرد بسیار مهم است و به قطعیت می‌توان گفت اگر ارتش در زمینه اطلاعاتی موفق عمل کند می‌تواند در زمینه عملیات هم به پیروزی برسد.
«اطلاعات و عملیات» در دوران دفاع مقدس همچنین مبارزه با ضدانقلاب در سال‌های ابتدایی انقلاب هم نقش کلیدی در موفقیت رزمندگان کشورمان ایفا کرد. پادشاه خیرنگاران به بهانه سالروز تولد یکی از سربازان گمنام سپاه که در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب در یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های اطلاعاتی، در دل حزب دمورات کردستان نفوذ کرده بود، گزارش کوتاهی درباره او و اقداماتش منتشر کرده که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید:
شهید منوچهر رضایی زنگنه در استان کرمانشاه به دنیا آمد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برای مبارزه علیه نظام شاهنشاهی به عضویت یک گروه ضربت درآمد. منوچهر قهص ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و از قضا با گوهرشناس آن روزهای سپاه شهید محمد بروجرودی همکار شد.
هنگامی که به دستور «هیئت حسن‌نیت» نیروهای انقلاب و سپاه مجبور به ترک منطقه شدند، منوچهر به دستور و با هدایت شهید محمد بروجرودی به داخل تشکیلات ضدانقلاب (حزب دمورات کردستان) نفوذ کرد و تا جایی پیش رفت که هدایت یکی از مراکز عملیاتی تیپ حزب دمورات را به عهده گرفت و «سرپل» شد.
نکته جالب این است که او پس از چندین ماه حضور در حزب دمورات توسط سپاه پاسداران دستگیر شده؛ به گونه‌ای که وقتی منافقین به عامل شکست‌های پی در پی‌شان آگاه شدند، پیش از اقدامات آنان منوچهر رضایی از منطقه گریخت و خود را به نیروهای خودی رساند. در آن زمان به علت داشتن کارت حزب توسط نیروهای سپاه پاسداران دستگیر شد که شهید بروجرودی با شنیدن خبر دستگیری او، در محل حاضر شد و شهید زنگنه را آزاد کرد. دمورات و کوموله پس از پیوستن منوچهر رضایی به سپاه پاسداران از او خواستند که مجدد به تشکیلات آنان برگردد و حتی به او وعده دادند که بهترین امکانات را در کشورهای اروپایی برای او فراهم کنند، ولی او قبول نکرد. آنجا بود که حزب دمورات برای آوردن سرو او جایزه تعیین کرد، برای هر کیلو وزن بدنش مبلغ ۲۰۰ هزار ریال در سال ۱۳۵۹!!
منوچهر حتی به فرماندهی سقز هم رسید و تعداد قابل توجهی از سران حزب دمورات را دستگیر کرد.
رضایی زنگنه همچنین به همراه شهید شیرودی و دیگر خلبانان هوایرورز حملات تشدیدری را علیه ضدانقلاب سازمان داد و موجب هلاکت جمعی از آنان و وارد شدن خسارت سنگینی به تجهیزات و اماکن آن‌ها شد. سیدسراج مهر سال ۵۹ فرا رسید و شهید رضایی زنگنه به همراه چند تن از آموزران اطلاعات برای دستگیری تعدادی از عناصر ضدانقلاب حزب دمورات عملیاتی را با پیروزی می‌کنند. منوچهر در کمین نیروهای دشمن گرفتار می‌شود و پس از جنگ و گریزی طولانی به وسیله تک تیرانداز دشمن مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.



نگاهی به برخی پیامدهای منفی اقتصادی
واقعه ۱۱ سپتامبر برای ایالات متحده

عاقبت خودزنی

به آشوب می‌کشاند. شک داشتیم که هدف ربابندگان هوابیما ایجاد اختلال اقتصادی و مالی از طریق ضربه زدن فیزیکی باشد. سوآلی که من باید روی آن متمرکز می‌شدم این بود که اقتصاد ما تا چه اندازه تخریب شده بود؟ اگر حملات اضافی رخ می‌داد، تجارت و تعامل اقتصادی مختل می‌شد، مردم از ترس خانه‌نشین می‌شدند و... در این صورت شاهد یک پهن بودیم که می‌توانست بدبختی‌های ما را چند برابر کند...
فواد اکاام: البته امروز که این مطلب را می‌خوانید، ۱۹ سال و ۸ روز از واقعه عجیب و غریب ۱۱ سپتامبر می‌گذرد. قطعاً در این مدت صدها خبر، گزارش و تحلیل درباره پشت‌پرده‌های سیاسی و غیرسیاسی این واقعه و اینکه آمریکایی‌ها و شرک‌هایشان، چطور و با چه اهدافی این واقعه را رقم زدند خوانده و دیده‌اید. پس قرار نیست در این مطلب چیز چندان جدید و ناگفته و ناشنیده‌ای از راز و رمزا و یا معماهای ۱۱ سپتامبر را بخوانید. یعنی اگر ماجرا را مرور می‌کنیم و با راز و رمزا و معماهای این واقعه را بازگو می‌کنیم و این دشمنان این است که درباره پیامدهای سیاسی و اقتصادی ماجرا حرف بزنیم. اینکه آیا آمریکایی‌ها در این نمایش دهشتناک به همه اهداف خود رسیدند؟ آیا آن‌ها ۱۱ سپتامبر را با یک برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری دقیق رقم زده و به همه عواقب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آن اندیشیده بودند؟

اقتصادمان چه می‌شود؟

هشت روز پس از فرو ریختن برج‌های دوقلو، نماد امپراتوری سسرمایه‌داری، درست مثل امروز رئیس کل بانک مرکزی ایالات متحده - آلن گریسپن - در جلسه مهمی حاضر می‌شود تا ایجاد و آثار حمله ۱۱ سپتامبر برای اقتصاد آمریکا و پیش‌بینی‌ها و راه‌حل‌هایش را ارائه بدهد. او در کتابی که چند سال بعد به رشته تحریر در می‌آورد، ماجرای روزهای نخست این واقعه را این‌گونه شرح می‌دهد: «من بعدازظهر ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پس از حضور در نشست عادی بانکداران بین‌المللی در زوریخ، با پرواز ۱۲۸ سوئیس ایر به واشنگتن برمی‌گشتم. در حال رئیس گارد امنیتی من، آمد و کنار گوشم گفت: آقای رئیس کل... خلبان می‌خواهد شما را ببیند. تعجب مرا که دید اضافه کرد شوخی نمی‌کنم. خلبان در کابین خود کاملاً نگران به نظر می‌رسید. او به ما گفت حمله وحشتناکی علیه کشورمان انجام شده است... چندین هوابیما روده شده که دو فروند آن به مرکز تجارت جهانی و یک فروند به پنتاگون برخورد کرده‌اند. ما در حال برگشت به زوریخ بودیم و او قصد نداشت دلیلش را برای دیگر مسافران بیان کند. آیا این حملات شروع وطنه‌های وسیع‌تری بود؟ من نگران حال همکارانم در فدرال رزرو بانک مرکزی بودم. فدرال رزرو باید سریع به این بحران جواب می‌داد. این حمله - که از زمان برلن هاربر اولین حمله به خاک ایالات متحده بود - کشور را

تلی از آوار

رئیس کل بانک مرکزی آمریکا با همه دلواپسی‌هایی که دارد، به دلیل شرایط امنیتی بالاخره موفق می‌شود یک روز بعد و با هوابیمایی نظامی، خودش را به آمریکا برساند. خلبان این هوابیمایی نظامی پیش از فرود، هوابیما را یکی دو بار بالای سر برج‌های فروریخته می‌چرخاند تا جناب رئیس کل ببیند و باور کند که جز

مجاز آباد

اهتزاز پرچم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی

عادی‌سازی روابط برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی، حساسی در سرزمین‌های اشغالی حاشیه‌ساز شده و معترضان فلسطینی در نقاط مختلف دست به اعتراض خیابانی زده‌اند. اخیراً هم فیلمی از سرزمین‌های اشغالی در فضای مجازی منتشر شده که نشان می‌دهد معترضان با پایین کشیدن پرچم بحرین که به‌تازگی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کرده است، پرچم فلسطین را در یکی از شهرهای اراضی اشغالی به نام «نتانیا» به اهتزاز درآورند.



بنس‌های اینترنت دانشجویی

در هفته گذشته فعال‌سازی بنس‌های اینترنت ویژه معلمان آغاز شده و بنس‌های ۲۰ گیگابایتی سه ماهه برای این قشر جامعه فعال شده است. پس از این دانشجویان هم با راه‌اندازی هشتگ‌های مختلف از وزیر ارتباطات خواستار دریافت اینترنت رایگان برای شرکت در کلاس‌های مجازی شدند. حالا آذری جهرمی با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش در این باره نوشته است: «بسیاری از دانشجویان عزیز هم از من درباره زمان تقدیم بنس‌های اینترنتی آموزش مجازی خود، سوآل می‌پرسند، در هفته اول مهر جزئیات نحوه ثبت‌نام و دریافت اعلام و تقدیم خواهد شد. مخلص همه دانشجویان هستم».



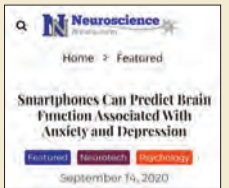
شترسواری دولادولا

این روزها بسیاری از قهوه‌خانه‌ها و مراکز عرضه قلیان، به صورت نیمه رسمی فعالیت می‌کنند. به این صورت که کرکدهای مغازه با نیمه باز گذاشته و مشتریان خاص را به داخل راه می‌دهند. رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی در این مراکز صدمه کاربران فضای مجازی را در آورده است. یکی از کاربران در این باره نوشته است: «فعالیت قهوه‌خانه‌ها و قلیان‌سراها با کرکدهای تا نصفه آمده پایین، مصداق بارز شترسواری دولادولاست. یعنی چی کرکده مغازه تا نصفه پایین است و داخل قهوه‌خانه‌ها معمولاً جابری سوزن انداختن نیست! این‌ها مجاز به فعالیت‌اند باید در شرایط کرونا تعطیل باشند!»



جادوی جدید شبکه‌های اجتماعی

هانی هاشمی، فعال رسانه‌ای با انتشار بخشی از یک گزارش چاپ شده در یکی از نشریات علمی معتبر روز دنیا در کتاب تلگرامی خود نوشت: «یک زمانی می‌گفتند دوربین گوشی رو بیوشونید یا میکروفون رو قطع کنید تا نتوانند اطلاعات شما رو کنترل کنند و از این حرف‌ها ان پزوهشگران از فعالیت شما در شبکه‌های مجازی، مدت روشن بودن صفحه لوکیشن و حالت قرارگیری گوشی شما در فضا متوجه میشن که شما چه مشکلات روانی دارید یعنی با همین چهار تا فاکتور می‌فهمن شما افسردگی داری یا نه! جالبه نتایج این روش ۸۰ درصد با اسکن مغزی و تشخیص پزشکان مطابقت دارد،



هنر نگار

سینما و سینما

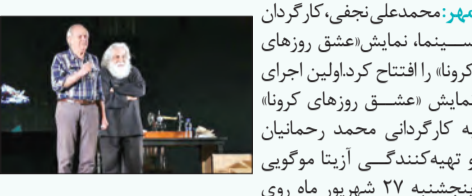
شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۹

۱۲ | اصفر ۱۴۴۲ | ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شمار ۹۳۴۷ |

خبر

خالق «سربداران» نمایش «عشق روزهای

کرونا» را افتتاح کرد



مهر: محمدعلی نجفی، کارگردان سینما، نمایش «عشق روزهای کرونا» را افتتاح کرداولین اجرای نمایش «عشق روزهای کرونا» به کارگردانی محمد رحمانیان و تهیه‌کنندگی آرتنا موگویی پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه روی صحنه رفت.محمد رحمانیان در ابتدای این مراسم گفت: اجرای اول همیشه موجب دلشوره است و تشکر می‌کنم از دوستان، همکارانم، همچنین از گروه اجرایی در تالار وحدت و بنیاد رودکی ، آقای افضل و آقای آشنا که برای به ثمر رسیدن این اجرا با ما همکاری کردند.

وی بسا معرفی محمدعلی نجفی به عنوان استاد خود گفت: خیلی خوشحالم که استاد اینجاست و من همچنان شاگرد او هستم. محمدعلی نجفی نیز با آمدن روی سن گفت: امشب برای من یک شب مهم است، زیرا تئاتر فقط تفریح نیست بلکه وقتی تئاتر می‌آیم انگار به عبادتگاه برای تزکیه روح رفته‌ایم.وی ادامه داد: در تئاتر عقل و حس با هم در کار است و بازیگران روحشان را در مقابل ما عریان می‌کنند و ماها تمرین و کار می‌کنند تا حرف خودشان را به ما بزنند.

وی بیان کرد: حضور تماشاگران می‌تواند امید بدهد که همچنان تئاتر در جامعه ما برقرار باشد؛ چرا که تئاتر نشانه فرهنگ و اندیشه ماست و آنچنان که تئاتر می‌تواند نقش فرهنگی داشته باشد، سینما کمتر می‌تواند این نقش را ایفا کند. نجفی در پایان گفت: از طرف خودم از رحمانیان عزیز و همه کسانی که این نمایش را روی صحنه بردند تشکر می‌کنم و می‌توانم بگویم شاگرد از استاد بالاتر رفته است.

مهران رجبی به دلیل کرونا در بیمارستان

بستری شد

باشگاه خبرنگاران: مهران رجبی،

بازیگر پسر کار سینما و تلویزیون کشورمان به علت ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان بستری شد.مهران رجبی، بازیگر سینما و تلویزیون گفت: «درگیر بیماری کرونا شدم و حدود ۶ روز است در بیمارستان بستری هستم.»وی ادامه داد: «هنوز به من اعلام نکرده‌اند چه زمانی از بیمارستان مرخص می‌شوم.»

«پدر» آنتونی هاپکینز

زمنستان امسال اکران می‌شود

میزان: فیلم سینمایی «پدر» به نویسندگی و کارگردانی فلورن زلر» و با بازی «آنتونی هاپکینز» اکران بین‌المللی خود در سینماهای جهان را از هجدهم ماه سپتامبر سال جاری میلادی

آغاز خواهد کرد. این فیلم همزمان با فصل زمستان روی پرده می‌رود.زلر در ایران بیشتر به عنوان نمایش‌نامه‌نویس محبوبیت داشته است. تاکنون نمایش‌نامه‌های فراوانی از فلورن زلر در کشور روی صحنه رفته و وی یکی از نماینده‌نامه‌نویسان پرکار در تئاتر کشور محسوب می‌شود.هاپکینز در این فیلم در نقش اصلی بازی می‌کند. شخصیت وی یک مرد مودی و در عین حال بسیار مستقل است که هر چه سنش بالاتر می‌رود پدرش هر نوع کمکی از نسوی دخترش به نام «آن» با بازی کولمن را رد می‌کند. با این حال در موقعیت فعلی کمک به وی ضروری شده و «آن» تصمیم می‌گیرد با همسرش به پاریس برود.اما پدر سعی دارد شرایط خود را تغییر دهد و در همین حال او شروع می‌کند به بررسی عشقش به اطرافیان و آنچه در ذهن او و واقعیت وجود دارد.این فیلم با اقتباس از نمایش‌نامه‌ای ساخته می‌شود که زلر خودش در سال ۲۰۱۲ آن را نوشت و روی صحنه برد.

همزمان با بزرگداشت چهلمین سالگرد

سینمای دفاع مقدس در شبکه نمایش



سیما و سینما: شبکه نمایش همزمان با فرا رسیدن چهلمین سالگرد دفاع مقدس، در جدول پخش خود به نمایش فیلم‌هایی با مضامین مربوط به هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد و آشناری از «محمدرضا شرف‌الدین» را مرور کرده و همچنین فیلم‌هایی از زائر سینمای «تاریخ» نیز پخش می‌شود .

ساعت ۱۲ شبکه نمایش: فیلم‌های اختصاصی این هفته شبکه نمایش با موضوع دفاع مقدس از شنبه ۲۹ شهریور ماه تا جمعه ۴مهرماه به ترتیب: خانه پلاک ندارد، جاسم به جبهه می‌رود، شوق پرواز، نخل‌های سربی، ساعت ۲۵، سما در آتش و دایره سرخ خواهند بود.

ساعت ۱۹ شبکه نمایش:در آخرین روزهای تابستان، فیلم‌های وقتی آسمان می‌ریزد، خانواده موروثی، رئیس پلیس مغازه عتیقه‌فروشی، زندگی دروغ فوتبال، درست شبیه پدرم و تابستانم را چگونه گذراندم، از شبکه نمایش پخش می‌شوند.

ساعت ۱۹ شبکه نمایش:علاقه‌منان می‌توانند یکی از پر طرفدارترین و همچنین چالش برانگیزترین ژانرهای سینما یعنی «تاریخی» را از شنبه تا جمعه از شبکه نمایش دنبال کنند.فیلم‌های تاریخی ایرانی و خارجی هفته به ترتیب اسپار تاکوس، دوازده سال بردگی، در مسیر تندباد، تروا، شجاع دل، آسمان و زمین و ملک سلیمان هستند.

ساعت ۲۱ شبکه نمایش:در بخش صحنه‌گران، از شنبه تا جمعه، فیلم‌های سینمایی با هنرمندی «محمدرضا شرف‌الدین»، مدیر جلوه‌های ویژه، به روی آنتن این شبکه می‌رود.وی همچنین تهیه‌کنندگی فیلم‌هایی که فرصت اندیشیدن به پدیده جنگ و دفاع مقدس را به تماشاگرش می‌دهد، بر عهده داشته است. فیلم‌های ساعت ۲۱ شبکه نمایش در این بخش به ترتیب سسپ سرخ حوا، آخرین مرحله، دکل، مزرعه پدری ، دستمزد، کمینگاه و کیمیا هستند.

ساعت ۲۳ نمایش:فیلم‌های جذاب این هفته شبکه نمایش، دیوار بزرگ چین، بخاشنه، قتل از فاصله، عکس خانوادگی، لایه‌های پنهان و روز بعد از حادثه هستند که مخاطبان می‌توانند به تماشای آن‌ها بنشینند. **ساعت یک باامداد شبکه نمایش:** فیلم‌های کلاسیک این هفته نمایش به ترتیب، آنچه می‌پد، مرد خشک‌مکن، ترن، مجازها، من یک فراری از یک گروه زنجیری هستم و ریش قرمز هستند که از شنبه تا جمعه پخش می‌شوند.

گفت‌وگو با فرزند خوشدست، کارگردان مستند «خط باریک قرمز»

حرف‌های مهم لابه‌لای فیلم‌های سطحی گم می‌شوند



است. در واقع سایکودرام، خشونت‌های نهان آدم‌های مستعد بزهکاری و جرم را درون آن‌ها فروکش می‌کند. اینکه چرا مسئولان از قدرت و تأثیر درام‌تراپی برای پایین آوردن جرم و بزهکاری استفاده نمی‌کنند را خدا می‌داند! آقای دکتر رستم وندی، رئیس سازمان امور اجتماعی کشور که متولی کاهش آسیب‌های اجتماعی است، سال گذشته در اکران خصوصی این فیلم حضور پیدا کردند و در مصاحبه تصویری گفتند این همان چیزی است که می‌خواهیم تا بتوانیم از آسیب‌های اجتماعی کم کنیم. ۵۰ سال پیش در ایسلند که مستعد جرم و خشونت بود، درام‌تراپی را آغاز کردند و اکنون این کشور سه تا یازده‌استگاه هم ندارد. اینکه چرا کارهای زیرساختی انجام نمی‌دهیم را نمی‌دانم، چون مسئولان باید جواب بدهند. آقای رستم‌وندی به من گفتند این فیلم را در دولت یادش می‌دهیم، ولی از همان موقع که عکس یادگاری گرفتند و رفتند، خبری از ایشان نیست. کدام مسئولی قرار است بیاید و این فیلم را ببیند، توجهی به این موضوع نمی‌شود.

پیشنهاد مدرسه سایکودرام داده شد و آقای رستم‌وندی گفتند از کرج شروع می‌کنیم، ولی هیچ خبری از ایشان نیست، کار من این نیست که طرح به مجلس ببرم تا لایحه‌ای تصویب شود، کار من ساختن فیلم است. پس از فیلم «دایره منبا» ساخته داریوش مهرجویی، سازمان انتقال خون راه افتاد، اما آقای مهرجویی نه مدیر این سازمان است و نه سهامدارش! اگر مدرسه سایکودرام هم راه بیفتد، من توقعی ندارم چون یک فیلمساز هستم.

◆**دلیل بی توجهی به چنین پیشنهادهای کارآمدی که در یک فیلم داده می‌شود را چه می‌دایت؟**

به نظر من آن قدر در سینما حرف‌های سطحی و مبتذل رده می‌شود که وقتی فیلمی همچون «خط باریک قرمز» با فیلم‌های خوب دیگر پیشنهادهای مشابهی و حرف‌های مهمی دارند، لایحه‌ای فیلم‌های سطحی و سیاست‌زده گم می‌شوند. چرا فیلم «خط باریک قرمز» در جشنواره آسیاسیفیک، نماینده سینمای مستند ایران می‌شود، چون من در این فیلم بحث و دعوی سیاسی نمی‌کنم، یک

برشن

یکی از من پرسید این فیلم را برای چه کسانتی ساختی، گفتم برای مسئولان تا بدانند می‌توانندکاری انجام دهند.
وقتی ما به عنوان یک گروه فیلمساز توانستیم چنین تغییری را در این فیلم ایجاد کنیم، مسئولان یا قدرتی که دارند می‌توانند تغییرات اساسی‌تری انجام دهند.

وقتی میلاد آزاد شد تغییر را در چهره‌اش می‌دیدیم، سه من زنگ زد و گفت می‌دانید چرا اجازه دادم پسرم ۵ صبح از فرچک ورامین راه بیفتد به سمت شهرزیبا، چون وقتی معین از زندان آزاد شد دیدم که حرف زدن این بچه تغییر کرده و جور دیگری با من حرف می‌زند، با اینکه زندان بود ولی طوری حرف می‌زد که نمی‌توانستی بسا او تحقیرآمیز برخورد کنی، به همین دلیل احساس کردم برای معین در این گروه تئاتر اتفاقات خوبی افتاده است و اجازه دادم برای تمرین‌ها به کانون برکزد. اینکه ما توانستیم نحوه تعامل این بچه با خانواده‌هایشان را تغییر بدهیم و لحن صحبت کردشان را عوض کنیم پس در طولانی‌مدت هسم می‌توانیم نتایج خوبی بگیریم. با وجود اینکه حدود دو سال از فیلم‌برداری کار گذشته بود، یکی از بچه‌ها به من زنگ زد و درباره ایده فیلم‌نامه‌اش گفت. او کتاب می‌خواند و نوی اینترنتست محتوای به درخبرجو را جستجو می‌کرد، این تغییر می‌تواند اتفاق بیفتد. یکی از من پرسید این فیلم را برای چه کسانی ساختی، گفتم برای مسئولان تا بدانند می‌توانند کاری انجام دهند. وقتی ما به عنوان یک گروه فیلمساز توانستیم چنین تغییری را در این بچه‌ها ایجاد کنیم، مسئولان با قدرتی که دارند می‌توانند تغییرات اساسی‌تری انجام دهند. «خط باریک قرمز» یک ماکت کوچک از تجربه‌ای موفق است که می‌تواند در مقیاس‌های بزرگ‌تری انجام شود.

◆**حتی اگر از گروه ۱۲–۱۰ نفره تئاتر «خط باریک قرمز» یکی دو نفر هم تغییر کرده باشند، برای شما و گروهتان کافی است؟**

همین‌طور است. روز اول که با دکتر اصغر پورمحمدی، مشاور جامعه‌شناسی فیلم صحبت

می‌کردم همین حرف را به من زدند و گفتند اگر یک نفر هم برگردد، کافی است.وقتی معین آزاد شد و به دلیل تمرین‌های تئاتر دوباره به کانون برگشت، ما احساس کردیم معجزه رخ داده است. وقتی یک زندانی آزاد می‌شود تا سال‌ها از خیابان آن زندان رد نمی‌شود. بین فرچک ورامین که محل زندگی معین بود تا شهرزیبا، چند ساعت فاصله است و معین در سرمای زمستان این مسیر را طی می‌کرد و ساعت ۵ صبح راه می‌افتاد تا ۸ به تمرین تئاتر برسد. مثلاً

تئاتر

مسافر آستانه: جشنواره تئاتر فجر امسال قطعاً ملی خواهد بود

تدارک گرامیداشت ۴۰ سالگی دفاع مقدس



قبول کنیم که با تغییرات کنار بیاییم و اشکال مختلف تئاتر را ببپذیریم. به هر حال این‌ها تعاریف تازه از تئاتر است که برخی شاید خوششان نیاید. هر چند حرف درستی است.

که تئاتر نفس به نفس با تماشاگر است، اما این در خیلی شرایط مثل اکنون شاید محدودکننده باشد.

وی درباره وضعیت برپایی فجر امسال گفت: شرایط امسال قدری متفاوت است، جشنواره قطعاً بزرگ می‌شود، برخی بخش‌ها فراخوان داده و برخی دیگر مثل رادیویی، خیابانی و صحنه‌ای، فراخوانشان در راه است.ضرورت برپایی جشنواره تئاتر فجر امسال قطعاً بر کسی پوشیده نیست، اما چگونگی آن نیاز به مطالعه بیشتر دارد؛ چرا که خیلی تجمع‌ها از صحنه‌ای تا خیابانی باید مدیریت درست شوند. مسافراستانه درباره تقارن ۴۰ سالگی دفاع مقدس ما با جشنواره فجر امسال گفت: قطعاً برنامه‌هایی برای نمایش استعد و پروژه‌ها و نمایشگاه در قالب‌های مختلف تدارک خواهیم داد. یک بخش کارها هم تولیدی و صحنه‌ای خواهد بود، همه این‌ها به شرایط آن دوره بستگی دارد، هر چند تاریخ برگزاری جشنواره همان یکم تا دوازدهم بهمن تعیین شده، اما براساس شرایط آن دوره باز بررسی خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه امسال هیچ جشنواره خارجی تئاتری در این دوره گفت، ما از سال‌ها پیش این کارها را شروع کردیم، حتی یادم هست دهه ۸۰ یک سالی به دلیل برخی مشکلات برخی همکاران اختتامیه فجر مراسم را به صورت آنلاین تماشا کردیم، حال که اکنون شرایط بهتر از قبل شده است و تکنولوژی‌اش را دارد، باید این ضرورت را

مسئله انسانی را مطرح می‌کنم که حرف جهانی دارد، ولی سینمای ما آن قدر سیاست‌زده و سطحی شده که این فیلم‌ها دیده نمی‌شود، حتی مسئولان هم می‌ترسند از این فیلم حمایت کنند.

◆**یعنی بدفهمی از این فیلم‌ها و برجسب سیاه‌نمایی زدن به آن‌ها موجب ضربه به آن‌ها می‌شود؟**

خب این ابزاد در دایره سینمای کشورمان وجود دارد. من از سوی نیروی نظامی به دلیل این فیلم قدردانی شدم، ولی متأسفانه در ساختار سینمای مستند ما تنگ‌نظری وجود دارد که نمی‌گذارد مسیری به درستی پیش ببرد.

◆**اشاره داشتید که این فیلم را برای مسئولان ساخته‌اید، ولی وقتی اعضای کمیسیون فرهنگی ما آخرین فیلم‌هایشان را به صورت اتفاقی آن هم در اوقات فراغشان از تلویزیون تماشا کرده‌اند، چه امیدی به دیده شدن این فیلم از سوی مسئولان اجرایی و قانون‌گذاران دارید؟**

من چند بار به آقای مازنی، رئیس سابق کمیسیون فرهنگی مجلس گفتم، این فیلم باید در مجلس نمایش داده شود، ایشان قول بپیگیری دادند، ولی چون نزدیک انتخابات مجلس بود، این موضوع برایشان اولویت نداشت. شاید مردم ۵۰ سال دیگر این فیلم را ببینند و بگویند فیلمی ساخته شد تا قانون‌گذار، راهکاری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد، اما کاری نشد. خوشحالم که این فیلم را ساختیم، ایندگان درباره آن قضاوت خواهند کرد.

◆**همان طور که در مستند نشان می‌دهید بسیاری از اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی است، از گروشت «معین» بگیرید تا ترک «حسین» از گروه تئاتر. این اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی شما را از ادامه کار مستأصل نکرد؟**

مشاور اجتماعی فیلم به من می‌گفت تو به این بچه‌ها لباس شخصیت داده‌ای، آن‌ها این هویت و شخصیت را نمی‌خواهند از خودشان دور کنند، جایی که این بچه‌ها برای ادامه همکاری و تمرین تئاتر دچار چالش و تردید می‌شوند، این تردید برای من خیلی ارزشمند است، چون این شک با خشونت سکس‌سای‌های اول فیلم فرق دارد. پشت این شک، آگاهی و شناختی است که با ایمان می‌رسد.وقتی این تردید را در بچه‌ها دیدم خیلی راضی بودم با اینکه تمام گروه در پشت دوربین نایم بودند، ولی می‌دیدند که حال من خوب است. من از انقلاب و تغییر خودخواسته این بچه‌ها خشنود بودم. وقتی قرار است بچه‌ها برای اجرا به سالن تئاتر بیایند یکی از آن‌ها می‌گوید من حتماً فرسار می‌کنم، ولی این کار را نمی‌کنی. او با ایمان به زندان برمی‌گردد و زمانی که آزاد شود دیگر خلاف نمی‌کند.

می‌خواستیم این بچه‌ها در موقعیت شناخت و آگاهی قرار بگیرند. وقتی اجرای تئاتر نشان تمام شد بچه‌ها را به پیتزافروشی بردم، معاونان زندان گفتند نمی‌خواهد ولی گفتم به این‌ها قول دادم.

یکی از بچه‌ها که قد بلندی داشت وقتی به دستشویی این پیتزافروشی رفته بود، متوجه می‌شود سرویس بهداشتی سقف ندارد و می‌تواند فرار کند، ولی این کار را نمی‌کند. اتفاقات و حواشی ساخت این فیلم خیلی زیاد بود که در فیلم نیامده است. زمانی که این بچه‌ها به خیلی چیزها شک می‌کنند، نشان می‌دهد می‌خواهند تغییر کنند و تغییر می‌کنند.

سینمای جهان

در حالی که فیلم «مولان» در گیشه چین با بی توجهی روبه‌رو شد

صدرنشینی فیلم «گریستوفر نولان» ادامه دارد



غافلگیرکننده ۵۳ میلیون دلاری داشته باشد. این فیلم علمی‌تخیلی که به عنوان پرزورهای دیده می‌شود که سینماها را دوباره راه می‌اندازد، قوی‌ترین آغاز خود را در بریتانیا با ۷/۱ میلیون دلار فروش داشت. «انگاشته» در آخر هفته در ۴۱ بازار بین‌المللی پخش شد که از جمله آن‌ها می‌توان از فرانسه ۶/۷ میلیون دلار، کره ۵/۱ میلیون دلار و آلمان ۴/۲ میلیون دلار نام برد.

«گریستوفر نولان» کارگردان برجسته سینمای جهان که آثاری همچون سه گانه بنمن، تلقین و میان ستاره‌ای را در کارنامه دارد، از جمله فیلم‌سازانی است که خواهان بازگشایی هر چه سریع‌تر سینماها در ایلیوود بود.

در خلاصه داستان فیلم «انگاشته» یا همان «تنت» آمده است: دو جاسوس بین‌المللی حرف‌های برای جلوگیری از قوع جنگ جهانی سوم درگیر ماجرا و توطئه‌ای پیچیده می‌شوند؛ از جمله یک فنسآوری می‌ماند که امکان وارونگی زمان را به بشر داده است.

از بازیگران این فیلم می‌توان به رابرت پتینسون، کلیمانس پوزی، جان دودید واشنگتن، الیزابت دبیکی، مایکل کین، کنت برانا و آرون تاپلر جانسون، اشاره کرد.

پس از پرستیز، این نخستین فیلم نولان است که هانس زیمر ساخت موسیقی آن را برعهده ندارد. وظیفه آهنگسازی این فیلم برعهده لودویگ گورائسون است که در سالل ۲۰۱۸ برای ساخت موسیقی فیلم پلنگ‌سیاه، برنده جایزه اسکار بهترین موسیقی فیلم شد.